

مجموعه گزارش‌های "با ما بخوانید"

شماره ۵: شاخص آزادی اقتصادی ۲۰۲۶

تحلیل نهادی شاخص آزادی اقتصادی و دلالت‌های سیاستی برای اقتصاد ایران

❖ مقدمه

یافته‌های شاخص آزادی اقتصادی ۲۰۲۶ نشان می‌دهد که تفاوت میان اقتصادهای موفق و ناموفق بیش از آنکه به میزان منابع طبیعی، اندازه دولت یا سطح درآمد وابسته باشد، به کیفیت حکمرانی اقتصادی، حاکمیت قانون، امنیت حقوق مالکیت و ثبات محیط کسب‌وکار بستگی دارد. از این منظر، مزیت رقابتی کشورها نه صرفاً از منابع، بلکه از کیفیت نهادها و قواعد حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی ناشی می‌شود.

شاخص آزادی اقتصادی یکی از معتبرترین ابزارهای بین‌المللی برای ارزیابی کیفیت محیط نهادی و فضای کسب‌وکار است. این شاخص با سنجش چهار حوزه اصلی شامل حاکمیت قانون، اندازه دولت، کارایی مقررات و گشودگی بازارها، ظرفیت اقتصادها را در جذب سرمایه‌گذاری، توسعه بخش خصوصی و ارتقای رقابت‌پذیری ارزیابی می‌کند و از این رو، می‌تواند چارچوبی مناسب برای تحلیل موانع نهادی رشد اقتصادی باشد.

بر همین اساس، این گزارش ضمن بررسی یافته‌های شاخص آزادی اقتصادی ۲۰۲۶، جایگاه ایران را در مقایسه با اقتصادهای منتخب منطقه تحلیل کرده و با تبیین ریشه‌های نهادی این وضعیت، مهم‌ترین پیام‌های سیاستی برای بهبود محیط کسب‌وکار، افزایش رقابت‌پذیری و تقویت حکمرانی اقتصادی را ارائه می‌کند.

❖ چارچوب مفهومی شاخص آزادی اقتصادی

شاخص آزادی اقتصادی، محیط نهادی و سیاستی کشورها را از منظر میزان آزادی فعالیت‌های اقتصادی ارزیابی می‌کند. این شاخص بر پایه ۱۲ مؤلفه در قالب چهار رکن اصلی محاسبه می‌شود:

- ✓ حاکمیت قانون (حقوق مالکیت، اثربخشی نظام قضایی و سلامت دولت)،
- ✓ اندازه دولت (بار مالیاتی، مخارج دولت و سلامت مالی)،
- ✓ کارایی مقررات (آزادی کسب‌وکار، آزادی بازار کار و آزادی پولی)
- ✓ و بازارهای باز (آزادی تجارت، آزادی سرمایه‌گذاری و آزادی مالی).

ترکیب این چهار رکن، تصویری جامع از کیفیت محیط کسب و کار، کارایی نهادهای اقتصادی و میزان آزادی فعالیت‌های اقتصادی در هر کشور ارائه می‌دهد.

اهمیت این شاخص در آن است که «آزادی اقتصادی» را صرفاً به معنای کوچک بودن دولت یا پایین بودن مالیات در نظر نمی‌گیرد، بلکه آن را در پیوند با کیفیت قواعد بازی اقتصادی می‌سنجد. از این منظر، جایگاه کشورها در این رتبه‌بندی نشان می‌دهد تا چه اندازه محیط اقتصادی آن‌ها برای مالکیت امن، اجرای قراردادهای سرمایه‌گذاری، تجارت، رقابت و فعالیت بخش خصوصی قابل اتکا و پیش‌بینی‌پذیر است.

❖ چشم‌انداز جهانی آزادی اقتصادی

نتایج شاخص آزادی اقتصادی ۲۰۲۶ نشان می‌دهد که میانگین امتیاز آزادی اقتصادی جهان ۵۹.۹ از ۱۰۰ است و اقتصاد جهانی همچنان در طبقه «عمدتاً غیرآزاد» قرار دارد. اگرچه این میانگین نسبت به سال گذشته اندکی بهبود یافته، اما بخش قابل توجهی از اقتصادهای جهان همچنان با چالش‌هایی مانند ضعف نهادی، بدهی‌های فزاینده دولت‌ها، محدودیت‌های سرمایه‌گذاری و بی‌ثباتی سیاست‌های اقتصادی مواجه‌اند؛ موضوعی که نشان می‌دهد کیفیت نهادهای اقتصادی همچنان یکی از مهم‌ترین محدودیت‌های رشد پایدار در بسیاری از کشورهاست. در مقابل، کشورهای صدر جدول مانند سنگاپور، سوئیس، ایرلند، استرالیا و تایوان، با وجود تفاوت در اندازه اقتصاد، جمعیت و ساختار تولید، در چند ویژگی مشترک‌اند: حاکمیت قانون، امنیت حقوق مالکیت، ثبات سیاستی، شفافیت، مقررات کارآمد و بازارهای رقابتی. در سوی دیگر، اقتصادهای انتهایی جدول از جمله کره شمالی، کوبا، ونزوئلا، سودان، زیمبابوه و ایران عمدتاً با ضعف حکمرانی، ناطمینانی سیاستی، محدودیت سرمایه‌گذاری و تجارت، ناکارآمدی بازارهای مالی و ضعف حقوق مالکیت روبه‌رو هستند.

این الگوی دوگانه نشان می‌دهد که تفاوت میان اقتصادهای موفق و ناموفق بیش از آنکه ناشی از میزان منابع یا اندازه اقتصاد باشد، به کیفیت نهادها و قواعد حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی بازمی‌گردد. به بیان دیگر، در اقتصاد جهانی امروز، رقابت‌پذیری پایدار بیش از آنکه محصول وفور منابع باشد، نتیجه محیطی باثبات، شفاف و قابل پیش‌بینی برای سرمایه‌گذاری و تولید است.

❖ تحلیل وضعیت ایران

در گزارش شاخص آزادی اقتصادی ۲۰۲۶، ایران با امتیاز ۴۱.۸ از ۱۰۰ در میان ۱۷۶ کشور رتبه ۱۶۹ را کسب کرده و در گروه اقتصادهای «سرکوب‌شده» (Repressed) قرار گرفته است. این جایگاه تنها بیانگر فاصله ایران با اقتصادهای پیشرو نیست، بلکه نشان می‌دهد شکاف نهادی کشور حتی در مقایسه با اقتصادهای منطقه نیز قابل

توجه است. در همین رتبه‌بندی، امارات متحده عربی با امتیاز ۷۱.۹ (رتبه ۲۳)، عربستان سعودی با ۶۵.۴ (رتبه ۵۹) و ترکیه با ۵۵.۰ (رتبه ۱۱۷) عملکرد بهتری داشته‌اند؛ موضوعی که نشان می‌دهد مزیت رقابتی اقتصادها بیش از آنکه به منابع طبیعی یا اندازه اقتصاد وابسته باشد، به کیفیت حکمرانی، ثبات سیاست‌ها و قابلیت پیش‌بینی محیط کسب‌وکار وابسته است.

ریشه این فاصله را باید در عملکرد مؤلفه‌های شاخص جست‌وجو کرد. پایین بودن امتیاز ایران در حوزه‌هایی مانند حقوق مالکیت، اثربخشی نظام قضایی، سلامت حکمرانی، آزادی سرمایه‌گذاری، آزادی تجارت و آزادی مالی بیانگر آن است که محدودیت اصلی اقتصاد ایران نه کمبود منابع، بلکه ضعف کیفیت قواعد حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی است. هنگامی که امنیت حقوق مالکیت، اجرای قراردادهای و ثبات مقررات با عدم اطمینان همراه باشد، هزینه مبادله افزایش یافته، افق تصمیم‌گیری بنگاه‌ها کوتاه‌تر می‌شود و سرمایه‌گذاران برای جبران ریسک، بازده بالاتری مطالبه می‌کنند یا منابع خود را به فعالیت‌های غیرمولد و کم‌ریسک‌تر منتقل می‌کنند. در نتیجه، تشکیل سرمایه ثابت، انتقال فناوری، نوآوری و رشد بهره‌وری به تدریج تضعیف می‌شود.

این تحلیل با سایر نماگرهای اقتصاد ایران نیز همخوانی دارد. طی سال‌های اخیر، کاهش تشکیل سرمایه ثابت، رشد محدود بهره‌وری، خروج سرمایه، ضعف شاخص‌های حکمرانی، افزایش ادراک فساد و دشوارتر شدن محیط کسب‌وکار، همگی تصویری سازگار با نتایج شاخص آزادی اقتصادی ارائه می‌کنند. همگرایی این شاخص‌ها نشان می‌دهد که رتبه پایین ایران در آزادی اقتصادی یک پدیده منفرد نیست، بلکه بازتاب ضعف‌های نهادی است که به طور هم‌زمان بر سرمایه‌گذاری، بهره‌وری و رقابت‌پذیری اقتصاد اثر گذاشته‌اند.

بررسی روند بلندمدت نیز مؤید همین واقعیت است. ایران طی سال‌های گذشته به طور مستمر در میان اقتصادهای با پایین‌ترین سطح آزادی اقتصادی قرار داشته و تغییر محسوسی در جایگاه آن مشاهده نمی‌شود. این پایداری نشان می‌دهد چالش‌های اقتصاد ایران ماهیتی ساختاری دارند و با بهبود مقطعی متغیرهایی مانند درآمدهای نفتی، نرخ ارز یا رشد اقتصادی برطرف نمی‌شوند. تا زمانی که کیفیت نهادها، امنیت سرمایه‌گذاری، ثبات مقررات و پیش‌بینی‌پذیری سیاست‌ها اصلاح نشود، افزایش منابع مالی نیز به رشد پایدار سرمایه‌گذاری و بهره‌وری منجر نخواهد شد.

نکته قابل توجه آن است که بار مالیاتی تنها مؤلفه‌ای است که ایران در آن عملکرد نسبتاً مطلوب‌تری دارد، اما تجربه اقتصادهای موفق نشان می‌دهد این مزیت در غیاب حقوق مالکیت مطمئن، نظام قضایی کارآمد، بازارهای مالی توسعه‌یافته و مقررات باثبات، توان ایجاد مزیت رقابتی ندارد. از این رو، مسئله اصلی اقتصاد ایران نه سطح مالیات یا اندازه دولت، بلکه کیفیت محیط نهادی است. در واقع، اقتصاد ایران در چرخه‌ای قرار گرفته که در آن ضعف حکمرانی، اعتماد سرمایه‌گذاران را کاهش می‌دهد؛ کاهش اعتماد، تشکیل سرمایه و بهره‌وری را محدود

می‌کند؛ و افت سرمایه‌گذاری و رقابت‌پذیری نیز به تداوم رشد اقتصادی پایین می‌انجامد. بنابراین، ارتقای جایگاه ایران در شاخص آزادی اقتصادی بیش از آنکه مستلزم سیاست‌های حمایتی کوتاه‌مدت باشد، نیازمند اصلاحات نهادی، تقویت حاکمیت قانون، ثبات مقررات و بازسازی اعتماد فعالان اقتصادی است.

❖ اولویت‌های سیاستی برای بهبود آزادی اقتصادی و رقابت‌پذیری اقتصاد ایران

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که بهبود جایگاه ایران در شاخص آزادی اقتصادی، بیش از آنکه به افزایش منابع مالی یا اجرای سیاست‌های حمایتی کوتاه‌مدت وابسته باشد، مستلزم اصلاحات نهادی و بهبود کیفیت حکمرانی اقتصادی است. از این‌رو، اولویت سیاست‌گذاری باید بر کاهش نااطمینانی، تقویت اعتماد فعالان اقتصادی، ارتقای سرمایه‌گذاری و افزایش رقابت‌پذیری اقتصاد متمرکز شود. بر این اساس، مهم‌ترین اولویت‌های سیاستی عبارت‌اند از:

✓ اصلاح حکمرانی اقتصادی و تقویت حاکمیت قانون

هدف: کاهش نااطمینانی نهادی و افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران.

اصلاح حکمرانی اقتصادی باید نقطه آغاز برنامه‌های اصلاحی باشد. این هدف از طریق تقویت حقوق مالکیت، افزایش کارایی و سرعت اجرای قراردادها، ارتقای شفافیت، مقابله با فساد، ثبات در اجرای قوانین و افزایش پاسخگویی نهادهای عمومی محقق می‌شود. اجرای این اصلاحات، ریسک نهادی را کاهش داده، اعتماد فعالان اقتصادی را تقویت کرده و زمینه لازم برای افزایش سرمایه‌گذاری، رشد بهره‌وری و توسعه فعالیت‌های مولد را فراهم می‌کند.

✓ بهبود محیط کسب‌وکار و کاهش هزینه‌های مبادله

هدف: تسهیل فعالیت بنگاه‌ها و افزایش جذابیت سرمایه‌گذاری.

تمرکز سیاست‌گذاری باید بر اصلاح نظام مجوزدهی، حذف مقررات زائد، ساده‌سازی فرآیندهای اداری، توسعه خدمات الکترونیکی و افزایش شفافیت مقررات باشد. این اقدامات ضمن کاهش هزینه و زمان شروع و توسعه کسب‌وکار، انگیزه سرمایه‌گذاری، توسعه بخش خصوصی و افزایش بهره‌وری را تقویت می‌کند.

✓ ارتقای امنیت سرمایه‌گذاری و افزایش پیش‌بینی‌پذیری سیاست‌ها

هدف: ایجاد محیطی باثبات برای سرمایه‌گذاری بلندمدت.

پایداری مقررات، پرهیز از تصمیمات ناگهانی، تضمین اجرای قراردادها، کاهش نااطمینانی سیاستی و بهبود دسترسی به منابع مالی باید در اولویت قرار گیرد. مهم‌ترین حمایت از سرمایه‌گذاری، ایجاد اطمینان نسبت به

ثبات قواعد بازی اقتصادی است؛ زیرا سرمایه‌گذاران بیش از هر عامل دیگری، به قابلیت پیش‌بینی محیط اقتصادی و امکان برنامه‌ریزی بلندمدت توجه دارند.

✓ ارتقای رقابت‌پذیری از طریق اصلاحات ساختاری

هدف: افزایش بهره‌وری و توان رقابتی اقتصاد.

تقویت رقابت‌پذیری مستلزم توسعه بازارهای رقابتی، کاهش انحصارات، تسهیل تجارت، بهبود دسترسی بنگاه‌ها به منابع مالی و حمایت از نوآوری و انتقال فناوری است. این اصلاحات زمینه افزایش بهره‌وری، توسعه صادرات، ارتقای توان رقابتی بنگاه‌ها و حضور مؤثرتر بخش خصوصی در بازارهای داخلی و بین‌المللی را فراهم می‌کند.

✓ استقرار حکمرانی مشارکتی در سیاست‌گذاری اقتصادی

هدف: ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری و افزایش اثربخشی سیاست‌ها.

پایداری اصلاحات اقتصادی مستلزم مشارکت مؤثر بخش خصوصی در فرآیند سیاست‌گذاری است. در این چارچوب، دولت باید بیش از آنکه نقش تصدی‌گر داشته باشد، بر تنظیم‌گری، تضمین اجرای قانون، ایجاد ثبات و فراهم‌سازی زیرساخت‌های نهادی تمرکز کند. در مقابل، بخش خصوصی نیز با سرمایه‌گذاری، نوآوری و افزایش بهره‌وری، نقش اصلی خود را در رشد اقتصادی ایفا خواهد کرد. نهادینه‌سازی گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی، ارزیابی آثار مقررات پیش از اجرا و بهره‌گیری از دیدگاه ذی‌نفعان، می‌تواند کیفیت سیاست‌گذاری اقتصادی و اثربخشی اصلاحات را به طور محسوسی افزایش دهد.

❖ ملاحظات اجرایی برای اقتصاد ایران

در چارچوب اولویت‌های سیاستی فوق، برخی اقدامات اجرایی می‌تواند در کوتاه‌مدت زمینه بهبود محیط کسب‌وکار و ارتقای کیفیت حکمرانی اقتصادی را فراهم کند. از جمله این اقدامات می‌توان به افزایش ثبات و پیش‌بینی‌پذیری مقررات و پرهیز از صدور بخشنامه‌های متناقض، تقویت نقش شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی در فرآیند تصمیم‌سازی، استقرار نظام ارزیابی اثرات اقتصادی مقررات پیش از تصویب، کاهش تعدد مجوزها و دستگاه‌های صادرکننده مجوز و توسعه دولت الکترونیک و پنجره واحد خدمات کسب‌وکار اشاره کرد. اجرای این اقدامات، ضمن کاهش هزینه‌های مبادله و افزایش شفافیت، می‌تواند اعتماد فعالان اقتصادی را تقویت کرده و اثربخشی اصلاحات نهادی را افزایش دهد.

❖ جمع‌بندی

شاخص آزادی اقتصادی ۲۰۲۶ نشان می‌دهد که رتبه کشورها در این شاخص صرفاً بازتاب میزان آزادی بازار یا سطح مداخله دولت نیست، بلکه تصویری از کیفیت نهادهای اقتصادی، ثبات قواعد بازی، امنیت سرمایه‌گذاری و قابلیت پیش‌بینی محیط کسب‌وکار ارائه می‌دهد. از این منظر، جایگاه پایین ایران در این رتبه‌بندی را باید نشانه‌ای از ضعف‌های نهادی و محدودیت‌های ساختاری محیط فعالیت اقتصادی دانست، نه صرفاً نتیجه نوسانات کوتاه‌مدت اقتصاد کلان.

تحلیل وضعیت ایران نشان می‌دهد که چالش اصلی اقتصاد کشور، کمبود منابع یا ظرفیت‌های تولیدی نیست؛ بلکه ضعف در تبدیل این ظرفیت‌ها به سرمایه‌گذاری مولد، بهره‌وری و رقابت‌پذیری پایدار است. تداوم نااطمینانی، ضعف حقوق مالکیت، محدودیت‌های سرمایه‌گذاری و تجارت، ناکارآمدی بازارهای مالی و بی‌ثباتی مقررات، موجب شده است که اعتماد فعالان اقتصادی تضعیف شده و افق تصمیم‌گیری بنگاه‌ها کوتاه‌تر شود.

بر این اساس، بهبود جایگاه ایران در شاخص آزادی اقتصادی بیش از آنکه نیازمند حمایت‌های مقطعی یا تزریق منابع کوتاه‌مدت باشد، مستلزم اصلاحات نهادی هماهنگ است. تقویت حاکمیت قانون، ارتقای کیفیت مقررات، بهبود محیط کسب‌وکار، افزایش شفافیت، کاهش نااطمینانی سیاستی و نهادینه‌سازی تعامل دولت و بخش خصوصی، مهم‌ترین مسیرهای بازسازی اعتماد و ارتقای رقابت‌پذیری اقتصاد ایران به شمار می‌روند.

در نهایت، شاخص آزادی اقتصادی را نباید صرفاً یک رتبه‌بندی بین‌المللی دانست؛ بلکه می‌توان از آن به‌عنوان چارچوبی تحلیلی برای شناسایی ضعف‌های نهادی و تعیین اولویت‌های اصلاح اقتصادی استفاده کرد. پیام اصلی این گزارش آن است که مسیر رشد پایدار اقتصاد ایران از اصلاح قواعد بازی، افزایش پیش‌بینی‌پذیری سیاست‌ها و استقرار حکمرانی اقتصادی کارآمد عبور می‌کند.